

Selection of the Institution in Charge of the Family Governance System in the Islamic Republic of Iran

Mohammad Saleh Tayebnia¹ | Mehdi Sotoudeh Far² | Masoud Shokri Khiyadani³ | Sohrab Hasheminejad⁴

Abstract

One of the important issues in the field of family that has been raised in the country in recent years is determining a structure to support the family and help to strengthen the family foundation in the country, but a suitable and convincing answer has not yet been provided. This research seeks to reform the family governance system by determining or creating a structure that acts as the guardian of the process. The current research is practical and has been done using a mixed method (qualitative and quantitative). In the qualitative part, in addition to the pathology of the family governance system with the Mana System Model (VSM) method, in-depth semi-structured interviews were conducted with 25 experts who were selected through purposive sampling in order to identify the proposed structures of the institution in charge of the family system. Using the content analysis method, the suggested structures were identified. In the quantitative part, the identified proposed structures were presented to the experts in the form of a questionnaire with the aim of prioritizing them, and then prioritization was done using the TOPSIS method. The results show that among the 9 proposed structures, the first priority is the family management organization under the Expediency Council or the Supreme Council of the Cultural Revolution, which is more powerful and has a more stable approach, and the next priority is the National Family Organization (Vice President) in which the executive guarantee is more visible and more realizable..

Keywords: Family Governance System, Family, Topsis, Mana System Model.

61

Vol. 17
Winter 2022

Research Paper

Received:
8 March 2022
Accepted:
3 September 2022
P.P: 93-121



DOR: 20.1001.1.26454955.1401.17.61.4.9

1. Corresponding Author: Assistant Professor, Ahl ol-Bayt Education Department, Faculty of Theology and Ahl al-Bayt Education, University Of Isfahan, Head of Mehrestan Research Institute, Isfahan, Iran.

Ms.tayebnia@ahl.ui.ac.ir

2. Ph.D. in Cultural Affairs Management, Faculty of Management, Islamic Azad University, Khorasgan Branch, researcher at Mehrestan Research Institute, Isfahan, Iran.

3. Ph.D. Candidate, Department of Systems Management, Department of Industrial Management, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University (AS), Researcher at Mehrestan Research Institute, Tehran, Iran.

4. Ph.D. in Future Studies, Future Studies Research Institute, Imam Khomeini International University, researcher at Mehrestan Research Institute, Isfahan, Iran.



به‌گزینی نهاد متولی نظام حکمرانی خانواده در جمهوری اسلامی ایران

محمد صالح طیب نیا^۱ | مهدی ستوده فر^۲ | مسعود شکری خیادانی^۳ | سهراب هاشمی نژاد^۴

چکیده

یکی از مباحث مهم در حوزه خانواده که در سال‌های اخیر در کشور مطرح بوده، تعیین ساختاری برای حمایت از خانواده و کمک به تحکیم بنیان خانواده در کشور است اما هنوز پاسخ مناسب و قانع‌کننده‌ای برای آن ارائه نشده است. این پژوهش به دنبال اصلاح نظام حکمرانی خانواده از طریق تعیین و یا ایجاد ساختاری است که به‌عنوان متولی فرایند فعالیت نماید. پژوهش حاضر کاربردی است و به روش آمیخته (کیفی-کمی) انجام شده است. در بخش کیفی، ضمن آسیب‌شناسی نظام حکمرانی خانواده با روش مدل سیستم مانا (VSM)، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته عمیق با ۲۵ نفر از خبرگان که به‌صورت نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده بودند، به‌منظور شناسایی ساختارهای پیشنهادی نهاد متولی نظام خانواده صورت گرفت و با استفاده از روش تحلیل محتوا، ساختارهای پیشنهادی شناسایی شد. در بخش کمی، ساختارهای پیشنهادی شناسایی شده در قالب یک پرسشنامه و با هدف اولویت‌بندی آن‌ها به خبرگان عرضه شد و پس از آن با روش تاپسیس (TOPSIS) اولویت‌بندی انجام شد. نتایج نشان‌دهنده این است که از بین ۹ ساختار پیشنهادی در اولویت اول، سازمان راهبری خانواده ذیل مجمع تشخیص مصلحت نظام یا شورای عالی انقلاب فرهنگی است که فراقوه‌ای بوده و ثبات رویکرد بیشتری در آن نمایان است و در اولویت بعدی سازمان ملی خانواده (معاونت ریاست جمهوری) است که ضمانت اجرایی در آن مشهودتر و قابل تحقق‌تر است.

واژگان کلیدی: نظام حکمرانی خانواده؛ خانواده؛ تاپسیس؛ مدل سیستم مانا.

DOR: 20.1001.1.26454955.1401.17.61.4.9

۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه معارف اهل بیت (ع)، دانشکده الهیات و معارف اهل بیت، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
ms.tayebnia@ahl.ui.ac.ir

۲. دکتری مدیریت امور فرهنگی، دانشکده مدیریت، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۳. دانشجوی دکتری مدیریت سیستم‌ها، گروه مدیریت صنعتی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

۴. دکتری آینده پژوهی، پژوهشکده آینده پژوهی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، اصفهان، ایران

مقدمه و بیان مسئله

توجه به خانواده محوری در سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلی نظام، بیانات مقام معظم رهبری و سایر قوانین و اسناد مورد تأکید قرار گرفته است. به‌طور مثال در اصل دهم قانون اساسی تصریح شده است: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد» (قانون اساسی، ۱۳۶۸، اصل ۱۰). همچنین در بند دوم سیاست‌های کلی خانواده بر این موضوع تأکید می‌کند: «محور قرار گرفتن خانواده در قوانین و مقررات، برنامه‌ها، سیاست‌های اجرایی و تمام نظامات آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی» (سیاست‌های کلی خانواده، ۱۳۹۵).

نهاد خانواده در سال‌های اخیر، تحولات بسیاری را تجربه نموده است. این تحولات بسیاری از صاحب‌نظران و افراد دغدغه‌مند را بر آن داشته تا به تحلیل مسائل خانواده و ارائه راهکارهایی برای رفع مشکلات آن پردازند. یکی از مباحثی که در کشورمان، به‌ویژه در سال‌های اخیر مطرح بوده تعیین ساختاری برای حمایت از خانواده و کمک به تحکیم بنیان خانواده در کشور است. ایجاد چنین ساختاری موجب انسجام فعالیت‌های مرتبط در سازمان‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی می‌شود و همچنین مرجعی برای پیگیری اصلاح، بهبود و تصویب سیاست‌های اثرگذار بر خانواده و نظارت بر اجرای صحیح آن‌ها از سوی دستگاه‌های اجرایی کشور خواهد شد. پیشنهاد ساختاری در سطوح حاکمیتی با هدف تحکیم خانواده و انسجام‌بخشی به ساختارها و سازمان‌های مرتبط موجود، موضوعی است که بارها بر روی میز مجامع مختلف گذاشته شده، اما به‌نظر می‌رسد هنوز پاسخ مناسب و قانع‌کننده‌ای برای آن ارائه نشده است.

در حال حاضر در سطح هر سه قوه و حتی سطوح فراقوه‌ای، تشکیلاتی با عناوین مختلف وجود دارند که در حوزه امور زنان و خانواده فعالیت می‌کنند. شورای فرهنگی - اجتماعی زنان و خانواده ذیل شورای عالی انقلاب فرهنگی، کمیته بانوان و جوانان مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری و ستاد ملی زن و خانواده، فراکسیون زنان و خانواده مجلس شورای اسلامی، دفاتر امور زنان و خانواده قوه قضاییه، نهادهای مردمی و نهادهای دانشی به

لحاظ رسالت و اهدافی که برایشان در نظر گرفته شده از جمله ساختارهای موجود حکمرانی در امور خانواده هستند. همچنین تشکل‌های مدنی اعم از سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها)، پژوهشگاه‌ها، مراکز مطالعاتی دانشگاهی و حوزوی، کانون‌های فرهنگی و خیریه‌ها به دنبال حل گوشه‌ای از مشکلات خانواده هستند. وجود این نهادها بدون شک ضروری است اما در مواردی با چالش‌هایی همراه است؛ از جمله این چالش‌ها می‌توان به «چندگانگی در ساختار بودجه، موازی‌کاری‌ها، ناهماهنگی در برنامه‌ها و در برخی موارد تناقض در اهداف، ضعف نظام اطلاعاتی، عدم ضمانت اجرایی برخی از مصوبات، بر روی زمین ماندن اجرای برخی از اسناد بالادستی مانند سیاست‌های کلان خانواده، سیاست‌های کلان مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در امور زنان و خانواده و قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی و فقدان سامانه^۱ نظارت و ارزیابی برای پیگیری و بررسی میزان و نحوه تحقق مصوبات» اشاره کرد. از طرف دیگر غالب تصمیمات و اقداماتی که در بخش‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور اتخاذ و اجرا می‌شوند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم تأثیرات عمیقی را بر تحکیم یا تضعیف بنیان خانواده می‌گذارند و به نظر می‌رسد جای ساختاری که ناظر بر این سیاست‌ها و اقدامات و پیشنهاددهنده راهبردهای مناسب باشد، خالی است. در راستای ایجاد چنین ساختاری، ابتدا باید به شناخت ادبیات موضوع حکمرانی با تأکید بر حوزه خانواده پرداخته شود.

حکمرانی موضوعی است که به نحوه تعامل دولت‌ها و سایر نهادهای اجتماعی با یکدیگر، نحوه ارتباط آن‌ها با شهروندان و نحوه اتخاذ تصمیم‌ها در جهانی پیچیده می‌پردازد. حکمرانی فرایندی است که از طریق آن جوامع یا سازمان‌ها، تصمیم‌های مهم خود را اتخاذ کرده و مشخص می‌کنند چه کسانی در این فرایند درگیر شوند و چگونه وظیفه خود را انجام دهند. سامانه حکمرانی، چارچوبی است که فرایند متکی بر آن است؛ بدین معنا که مجموعه‌ای از توافقات، رویه‌ها، قراردادهای و سیاست‌ها مشخص می‌کنند که قدرت در دست چه کسی باشد، تصمیم‌ها چگونه اتخاذ شده و وظایف چگونه ادا شوند (مکون و سلیمی، ۱۳۹۴). در تعریف حکمرانی سه اصطلاح پاسخگویی و حساب پس‌دهی، مشروعیت و شفافیت مورد توجه قرار می‌گیرد

۱. در این مقاله از واژه «سامانه» به جای واژه «سیستم» (System) استفاده شده است.

(پورعزت، ۱۳۸۷). در یک جمع‌بندی می‌توان گفت تعریف مدنظر از حکمرانی در این پژوهش عبارت است از: «اعمال و اجرای اقتدار عمومی توسط یک فرد، گروه یا نهاد به نمایندگی از دیگران، به‌صورت مشروع (غیراجباری) و همراه با مشارکت کلیه افراد و نهادها به‌منظور هدایت جامعه» (طهماسبی، ۱۳۹۷: ۱۰).

در تحقیق جاری مجموعه نهادهایی که در سطوح سیاست‌گذاری، اجرا و ارزیابی فعالیت دارند، به‌عنوان نظام حکمرانی خانواده در نظر گرفته شده‌اند. آنچه از حکمرانی امور خانواده در این پژوهش مدنظر است، عبارت است از: مجموعه فعالیت‌هایی که شامل تعیین سیاست‌ها و راهبردها، طراحی و پیاده‌سازی برنامه‌ها، و ارزیابی آن‌ها که توسط نهادهای حاکمیتی، دولتی و غیردولتی در حوزه خانواده انجام می‌شود و به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در وضعیت بهزیستی خانواده اثر می‌گذارد.

انتخاب و اصلاح ساختار پیشنهادی متولی نظام حکمرانی خانواده، یکی از پیش‌نیازهای ضروری جهت سازگاری موفقیت‌آمیز با پیچیدگی‌ها و حل چالش‌های مورد اشاره است. در همین راستا، یکی از مدل‌هایی که برای اصلاح و طراحی ساختارها استفاده می‌شود و بر مبنای مدیریت پیچیدگی است، مدل سامانه‌های مانا^۱ (VSM) است. این مدل ابتدا توسط بیر^۲ (۱۹۷۲) ارائه شده است و ریشه در رایانیک^۳ سازمانی دارد که از جمله روش‌های ساخت‌دهی به مسئله (مدل‌سازی نرم) است. مانایی به‌عنوان ظرفیت یک سامانه جهت ماندن به‌صورت یک موجودیت مستقل (برای زنده ماندن) در طول زمان تعریف می‌شود (پرز ریوس^۴، ۲۰۱۲). ویژگی خاص این نظریه این است که سامانه‌ای را متشکل از کارکردها مفهوم‌سازی می‌کند و باعث تبدیل به یک مدل مفید در ساختاردهی سامانه و شناسایی مشکلات و تنگناهای آن از بالاترین سطح سامانه‌ای تا هر یک از سطوح زیرسامانه‌ها می‌نماید (ادهم، کسیمین و سعید^۵، ۲۰۱۲). این مدل می‌تواند برای انواع سامانه‌ها مورد استفاده قرار بگیرد (لئونارد، ۲۰۰۹). عمومیت این مدل آن را تبدیل به یک ابزار

1. Viable Systems Model

2. Beer, S.

۳. رایانیک، واژه مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی به جای cybernetics در انگلیسی است.

4. Perez Rios, J.

5. Adham, K.A., Kasimin, H. & Said, M.F.

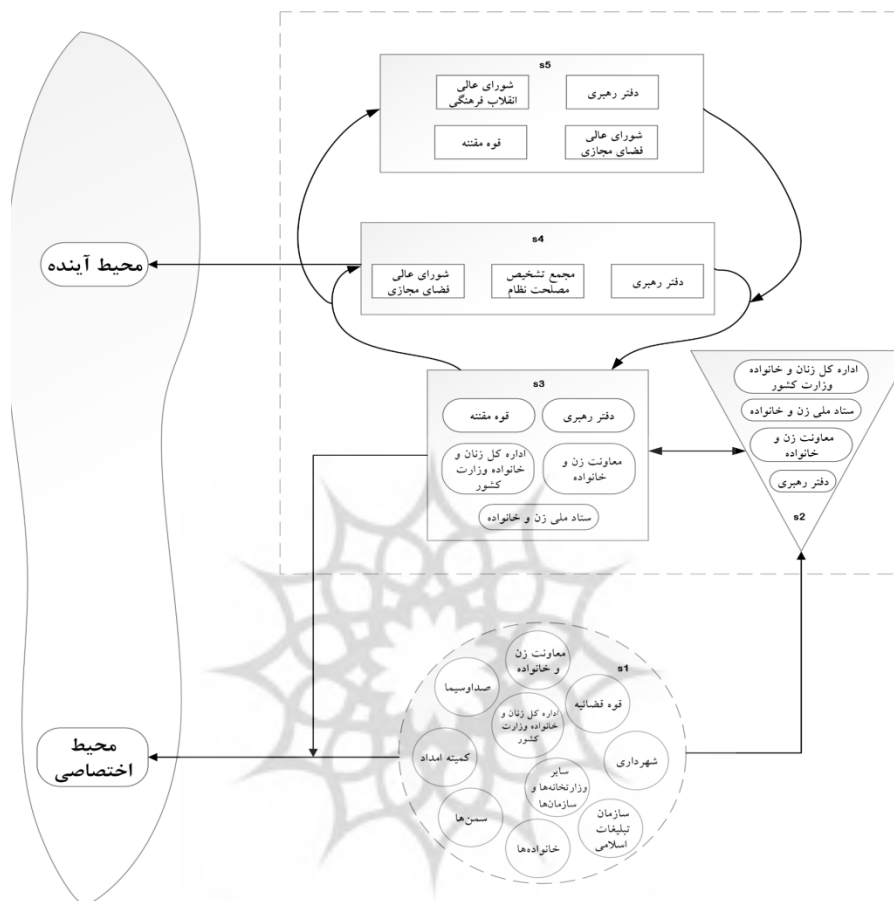
مفهومی قدرتمند برای عارضه‌یابی و طراحی ساختار سازمانی نموده است (شوانینگر و پرز ریوس^۱، ۲۰۰۸؛ هیلدبرند و بدهانیا^۲، ۲۰۱۵). مدل سیستم مانا از ۵ زیرسامانه تشکیل شده است که هر کدام عهده‌دار یک نقش می‌باشند (پرز ریوس^۳، ۲۰۱۲).

جدول ۱: زیرسامانه‌های مدل سیستم مانا (جکسون^۴، ۲۰۰۳؛ مسلمانی و همکاران، ۱۳۹۸)

زیرسامانه	کارکرد	وظیفه عمده
زیرسامانه ۱ (S1)	اجرا	در تعامل مستقیم باهدف سامانه و عملیاتی کردن سیاست‌ها
زیرسامانه ۲ (S2)	هماهنگی	تحقق مذاکرات و توافقات رؤسا و نمایندگان سامانه اجرای برای پیشبرد بهتر اهداف سامانه
زیرسامانه ۳ (S3)	کنترل	ایجاد انسجام بین سامانه هماهنگی و اعمال س یاست‌گذاری‌های سامانه سیاست‌گذاری
زیرسامانه ۳* (S3*)	بازرسی	بازوی کنترلی سامانه انسجام
زیرسامانه ۴ (S4)	هوشمندی	پایش مستمر آینده پیش روی سامانه، جدای از امور روزمره جاری، یادگیری و رصد آینده، تسخیر اطلاعات بیرونی
زیرسامانه ۵ (S5)	سیاست‌گذاری	تلفیق گزارش‌های سامانه انسجام دهنده و انتظارات سامانه S4

در پژوهش حاضر آسیب‌شناسی نظام حکمرانی امور خانواده با توجه به الزامات مدل سیستم مانا و بر اساس زیرسامانه‌های معرفی شده، عارضه‌یابی شده است. برای این منظور، ابتدا نهادهای مرتبط با نظام حکمرانی خانواده شناسایی شده و سپس با توجه به کارکرد هر کدام، جایگاه آن‌ها در مدل سیستم مانا مشخص شد که در شکل ۱ قابل مشاهده است.

1. Schwaninger, M. & Perez Rios, J.
2. Hildbrand, H. & Bodhanya, S.
3. Perez Rios, J.
4. Jackson, M. C.



شکل ۱: جایگاه نهادها در مدل سیستم مانا

در ادامه ضمن تطبیق وضعیت برنامه‌ریزی شده برای هر کدام از نهادها بر اساس اسناد بالادستی و رسالت و مأموریت آن‌ها با وضعیت موجود آن‌ها براساس گزارش عملکردهای منتشر شده از این نهادها به آسیب‌شناسی پرداخته شده است.

زیرسامانه ۱ هم در وضعیت برنامه‌ریزی شده باید سامانه عملیاتی باشند و هم در وضعیت موجود عملیاتی محسوب می‌شوند. این مطلب مؤید این نکته است کارکرد این نهادها موجود در زیرسامانه ۱ در وضعیت مناسبی قرار دارد. برخی از این نهادها به‌طور کلی دارای استقلال هستند و وظایف محوله مربوط به خود را اجرا می‌کنند. اما برخی دیگر به دلیل وابستگی فعالیت‌ها با

یکدیگر و روابط و مناسبات موجود، فعالیت مستقل آن‌ها به صورت مانا را دچار تردید می‌کند. نهادهایی نظیر قوه قضائیه، صداوسیما و شهرداری‌ها را می‌توان دارای ماهیت مانایی بیشتری نسبت به معاونت زن و خانواده، اداره کل زنان و خانواده وزارت کشور و سایر وزارتخانه‌ها دانست.

بررسی زیرسامانه ۲ نشان می‌دهد که سروسامان دادن به وظایف و تفکیک کارکرد این زیرسامانه، نیازمند بازنگری است تا در راستای نظام‌مند شدن این وظیفه مهم که موجب ایجاد مشکلات فراوانی در عرصه اجرا نیز می‌شود، گام برداشته شود. به عنوان مثال با توجه به جایگاه معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری و شأن اجرایی آن، وظیفه هماهنگی توسط این معاونت بیشتر ناظر به نهادهای دولتی است و در سطح کلان در کنار نهادهای مذکور، نقش ستاد ملی زن و خانواده پررنگ‌تر است. وظیفه این ستاد بیشتر مربوط به تنظیم سیاست‌های اجرایی، راهبردها و آئین‌نامه‌های اجرایی به منظور تحقق سیاست‌های کلان در موضوع زنان و خانواده و هماهنگی فعالیت‌های سایر دستگاه‌ها است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۹). علی‌رغم تصریح سند راهبردی این ستاد بر وظیفه هماهنگی، بررسی کارنامه ستاد ملی زن و خانواده در محدود جلسات برگزار شده در سال‌های اخیر، بیانگر نقش کم‌رنگ ایجاد هماهنگی در نهادهای سیاست‌گذار، اجرایی و نظارتی است. سامانه‌های کنترل‌کننده در نظام حکمرانی امور خانواده در زیرسامانه ۳ نیازمند مشارکت زیرسامانه‌های دیگری است تا بتوانند وظیفه خود را به درستی انجام دهند.

در اصول ۵۷ و ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظام تفکیک قوا پذیرفته شده است ولی این تفکیک قوا از جهاتی با نظام کلاسیک تفکیک قوا، متفاوت است چون در نظام کلاسیک تفکیک قوا، قوای سه‌گانه قدرت‌های یکدیگر را مهار و کنترل می‌نمایند و مرجعی مافوق قوای سه‌گانه وجود ندارد ولی در جمهوری اسلامی ایران، به موجب اصل ۵۷ قانون اساسی قوای سه‌گانه زیر نظر ولی فقیه قرار دارند و اصل ۱۱۳ قانون اساسی، رهبر را در رأس هرم حاکمیت قرار داده است. (قانون اساسی، ۱۳۶۸) نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام، حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه و بررسی موارد خاص (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۲) از مهم‌ترین کارکردهای ناظر به نظام کنترل در وظایف رهبری است که به مجمع تشخیص مصلحت نظام تفویض شده است.

بررسی عملکرد زیرسامانه‌های موجود در نظام حکمرانی امور خانواده بیان‌گر نبود ساختاری با کارکرد بازرسی (زیرسامانه *۳) است و این موضوع یکی از مهم‌ترین عارضه‌هایی که در نظام حکمرانی امور خانواده وجود دارد. در وضعیت برنامه‌ریزی شده نهادهایی مانند شورای فرهنگی اجتماعی زن و خانواده شورای عالی انقلاب فرهنگی، کمیته خانواده و جوانان مجمع تشخیص مصلحت نظام، و ستاد ملی زن و خانواده این وظیفه وجود دارد ولی در عملکرد این نهادها نیز چنین کارکردی دیده نمی‌شود. با نگاه نظام‌مند می‌توان بزرگترین آسیب وارد بر نظام حکمرانی امور خانواده را مشخص نمودن مالک فرایند و نبود سازوکاری برای اندازه‌گیری عملکرد اجزا زیرسامانه ۳ و کل نظام در راستای دستیابی به اهداف دانست که دربرگیرنده کل ساختار از زیرسامانه ۱ تا زیرسامانه ۵ باشد. در همین راستا پیشنهاد می‌شود با اصلاح ساختارهای موجود یا ایجاد ساختارهای جدید با محوریت زیرسامانه *۳ (بازرسی) و شاخص‌های آن اقدام گردد. سازوکار پایش جریان‌ات محیطی و ارزیابی روندها توسط زیرسامانه ۴ نامشخص است. همچنین چگونگی بررسی عملکرد اجزای زیرسامانه ۴ در رابطه با امکان دستیابی به اهداف تبیین نشده است. ضرورت داشتن نگاه به آینده و هوشمندی نسبت به آن به‌خصوص در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی بیش‌ازپیش احساس می‌شود. خانواده نیز از این امر مستثنی نیست. در نتیجه نمی‌توان انتظار داشت با رویکرد حاکم بر زیرسامانه‌های موجود در نظام حکمرانی امور خانواده و بدون وجود اتاق عملیات برای تصمیمات و سیاست‌گذاری‌ها به نتیجه مطلوبی دست یافت. همانگونه که قبلاً اشاره شد با رویکرد پسینی و درمان‌محور که حاصل نبود یک رصدگر و کنترل‌کننده می‌باشد، انتظار هوشمند بودن سامانه، دور از انتظار است. بررسی عملکرد زیرسامانه‌های مذکور مؤید این مطلب است که تصمیمات این زیرسامانه‌ها ناظر به آینده نیست.

بررسی زیرسامانه ۵ نشان می‌دهد نهادهای سیاست‌گذاری در نظام حکمرانی امور خانواده عبارت‌اند از: دفتر رهبری، شورای فرهنگی اجتماعی زن و خانواده شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی فضای مجازی، قوه مقننه و ستاد ملی زن و خانواده که هم در وضعیت موجود و هم در وضعیت برنامه‌ریزی شده به این امر می‌پردازند. بر اساس نتایج بررسی‌ها، تعدد نهادهای سیاست‌گذار در این زیرسامانه با کارکردهای مشابه در نهایت یکی از عواملی است که زمینه‌ساز

موازی کاری است. علاوه بر آن تکثر سندها و سیاست‌ها، ابهام و تناقض در شرح وظایف و عدم شفافیت و یا عدم انطباق سیاست‌ها مطرح می‌شود.

با بررسی ادبیات پژوهش و مشخص شدن تعریف حکمرانی خانواده و آسیب‌شناسی انجام شده در حوزه نظام حکمرانی امور خانواده، بررسی پژوهش‌های انجام شده در این حوزه حائز اهمیت است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود:

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۹) در پژوهش «لزوم بازنگری در تشکیلات امور زنان و خانواده» به منظور رفع معضلات و ارتقای جایگاه زنان و خانواده در تشکیلات نظام، ساختارهایی نظیر ایجاد ستاد ملی خانواده، ایجاد معاونت ریاست جمهوری در امور زنان و خانواده، ارتقاء تشکیلات امور زنان و خانواده در دستگاه‌ها، بازنگری طرح تجمیع و ایجاد وزارتخانه را برای تعامل دستگاه‌های ذی‌ربط براساس کارکرد و سطح ورود آن‌ها پیشنهاد داده است.

امین‌آقایی (۱۳۹۳) در پژوهشی به «بررسی تطبیقی سیاست‌های موفق در زمینه تحکیم بنیان خانواده» در کشورهای ترکیه، مالزی، ژاپن، استرالیا، هلند، سوئد، کانادا و ایالات متحده آمریکا پرداخت. بر اساس نتایج این پژوهش، در خصوص سیاست‌های تحکیم خانواده، به جز کشورهای آمریکا و استرالیا که غالباً ترکیبی از تلفیق مدل‌های سلامت‌محور و درمان‌محور بود، در مورد سایر کشورها، مدل سلامت‌محور چیرگی داشته است. مطالعات نشان می‌دهد که علی‌رغم تحولات زیاد کشورهای مورد مطالعه در حوزه‌های مختلف، بسیاری از این کشورها فاقد یک سیاست منسجم در زمینه خانواده بوده‌اند. در مدل پیشنهادی این پژوهش برای تحکیم خانواده در ایران، مدل سلامت‌محور مطرح شده است.

در پژوهش حبیب‌پور (۱۳۹۷) با عنوان «ارزیابی عملکرد سازمان‌های غیردولتی کشور در حوزه زنان و خانواده» یافته‌ها نشان داد که بیش از چهار پنجم سمن‌های^۱ مطالعه شده فعال و مابقی نیمه فعال بوده‌اند. عمده نقش سمن‌ها، مربوط به حوزه آموزشی و ضعیف‌ترین آن‌ها مربوط به حوزه سیاست‌گذاری بوده است و مهم‌ترین مشکلات آن‌ها را می‌توان به ترتیب مشکل مالی، حقوقی، اداری، سیاسی، نهادی، اجتماعی - فرهنگی و مدیریتی دانست. دلالت یافته‌ها بر آن است

۱. سازمان‌های مردم نهاد

که سمن‌های زنان و خانواده در حال حاضر اثربخشی نازلی در عرصه مدیریت امور زنان و خانواده در سطوح ملی و استانی دارند.

معینی‌فر (۱۳۹۸) در پژوهشی به «الزامات سیاست خانواده جمهوری اسلامی ایران با مروری کوتاه بر سیاست خانواده در جهان» پرداخت. بر اساس یافته‌های این پژوهش مهمترین الزامات سیاست‌گذاری خانواده شامل وجود بانک جامع اطلاعاتی، شناسایی و تعیین میزان اثرگذاری عوامل کاهش جمعیت، توجه به شرایط اجتماعی، سیاسی و تاریخی هر کشور است. علاوه بر این، تمامی سیاست‌های خانواده در ایران باید با همکاری نهادهای سیاست‌گذار، قانون‌گذار و دولت با در نظر گرفتن ضمانت اجرایی تدوین شوند.

سازمان سیاست‌گذاری رند^۱ در قطر در سال ۲۰۰۶ گزارشی با عنوان «منبع داده برای شاخص‌های اجتماعی شورای عالی امور خانواده قطر» منتشر کرده است. نهاد دولتی مسئول سیاست‌گذاری خانواده در قطر، «شورای عالی امور خانواده» است که وظیفه بررسی و پیشنهاد قوانین، ترویج سیاست‌ها، انتخاب برنامه‌ها، اجرای پروژه‌ها و برنامه‌ها و ارتقای نقش سازمان‌های ملی و انتشار اطلاعات در مورد همه جنبه‌های خانواده در قطر است. این شورا تحت نظارت امیر قطر است و با همکاری و هماهنگی با کابینه (مجلس)، وزارتخانه‌ها و سایر نهادهای مربوطه کار می‌کند. این شورا دارای شش بخش: خانواده‌ها، زنان، کودکان، جوانان، سالمندان و افراد با نیازهای خاص است.

وال^۲ و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «سیاست خانواده در کشورهای عضو شورای اروپا» به دنبال پاسخگویی به این سؤال بودند که آیا در کشورهای مورد بررسی، سیاست‌گذاری توسط یک نهاد انجام می‌شود یا چند نهاد دولتی مسئول سیاست‌گذاری خانواده هستند. بر اساس یافته‌ها در اکثر کشورها سیاست‌گذاری خانواده توسط یک نهاد اصلی (غالباً یک وزارتخانه یا ساختاری مشابه آن) انجام می‌شود، حتی اگر فعالیت‌ها توسط چندین بخش در داخل آن نهاد یا با همکاری وزارتخانه‌های دیگر اجرا شود. در کشورهایی نظیر بلژیک، کرواسی، دانمارک، یونان، ایرلند، لتونی و روسیه نهاد مشخصی که متولی امور خانواده باشد وجود نداشته و سیاست‌های

1. RAND
2. Wall, K.

مربوط به خانواده یا تأثیرگذار بر آن، توسط وزارتخانه‌های متناسب با هر موضوع مصوب و پیگیری می‌شود.

کنز^۱ و همکاران (۲۰۱۰) در گزارشی با عنوان «اداره خانواده‌ها، مسکن، خدمات اجتماعی و امور بومی» به بررسی ساختار دولتی سیاست‌گذاری در کشورهای منتخب پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌ها، همه کشورهای مورد مطالعه یک بخش دولتی اصلی برای سیاست خانواده و کودکان دارند، اما میزان حضور بخش‌های فرعی در سیاست‌گذاری خانواده در کشورها متفاوت است. برخی از کشورها حتی نهادی غیردولتی دارند که در سیاست‌گذاری خانواده مشارکت دارد. در برخی کشورها سیاست‌گذاری به‌طور مرکزی و برخی دیگر منطقه‌ای انجام می‌شود. در سوئد، نیوزلند و ایرلند همه سیاست‌ها در سطح ملی تعیین می‌شود. در استرالیا، آمریکا و انگلیس غالب قانون‌گذاری‌ها در سطح ملی انجام می‌شود اما ایالت‌ها یا بخش‌های دولتی هر منطقه (یا سازمان‌های مردم‌نهاد) مسئول اجرای برنامه‌ها هستند. گروه سوم کشورهایی هستند که کنترل بر سیاست‌ها در سطح ملی وجود ندارد. مثلاً در کانادا دولت فدرال برای همه سیاست‌گذاری نمی‌کند و استان‌های کانادا ملزم به گزارش سیاست‌ها و برنامه‌های خود به دولت فدرال نیستند.

لی^۲ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «سیر تحول سیاست خانواده در کره جنوبی»، این سیاست‌ها را از دهه ۱۹۴۰ تا ۲۰۱۸ مورد بررسی قرار داده است. بر اساس یافته‌ها، در سال‌های اخیر، سیاست‌های خانواده در کره به‌سرعت توسعه یافته و ساختار و نقش‌های نوین خانواده با تشویق روابط دموکراتیک و برابری جنسیتی در خانواده و جامعه حامی خانواده ترویج شده است. «وزارت برابری جنسیتی و خانواده» نهاد اصلی سیاست‌گذاری خانواده در کره است. سایر مراکز مهم در این زمینه دفتر رفاه خانواده در وزارت سلامت و رفاه اجتماعی، مرکز حمایت خانواده سالم و مرکز حمایت خانواده‌های چندفرهنگی هستند.

در خصوص عملکرد و کاستی‌های نهادهای مرتبط با موضوع خانواده تاکنون پژوهش‌هایی انجام شده و هر کدام از این نهادها به‌صورت مستقل و بدون توجه به شبکه ارتباطی با سایر نهادها بررسی شده‌اند. نکته قابل توجه این است که هیچ‌کدام از پژوهش‌های انجام شده، در قالب یک

1. Katz, I.

2. Lee, D.

نگاه نظام‌مند به این موضوع نپرداخته‌اند. این نگاه نظام‌مند در ارائه الگوی مطلوب، نوآوری این پژوهش محسوب می‌شود. از این رو، تحقیق حاضر بر آن است تا شاخص‌ها و کارکردهای نهاد متولی حکمرانی امور خانواده در جمهوری اسلامی ایران را بررسی و مطلوب‌ترین ساختار را پیشنهاد نماید.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر جهت‌گیری پژوهش، نوعی پژوهش کاربردی به حساب می‌آید و با رویکرد استقرایی انجام شده است. همچنین از جهت اهداف پژوهش توصیفی-اکتشافی بوده و یک پژوهش آمیخته (کیفی-کمی) محسوب می‌شود. در بخش کیفی، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته عمیق با ۲۵ نفر از خبرگان که به صورت نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده بودند، به منظور شناسایی ساختارهای پیشنهادی نهاد متولی نظام خانواده صورت گرفت و با استفاده از روش تحلیل محتوا، ساختارهای پیشنهادی شناسایی شد. همچنین با استفاده از نظر خبرگان، کارکردهای ساختار پیشنهادی مطلوب و شاخص‌های انتخاب این ساختارها شناسایی شد که در قسمت یافته‌های پژوهش به آن اشاره خواهد شد. مشخصات این افراد در جدول شماره ۲ آمده است.^۱ معیار انتخاب نخبگان، فعالیت‌های علمی پژوهشی مرتبط، برگزاری کارگاه، هم‌اندیشی، دوره‌های آموزشی و یا سابقه اجرایی و شناخت از موضوع بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. شایان ذکر است که ضمن استفاده از نظرات خبرگان، با برخی از سازمان‌های مرتبط نظیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، دفتر برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی جوانان وزارت ورزش و جوانان، و مرکز توسعه پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان بهزیستی نیز مکاتباتی صورت گرفت و نظرات کارشناسی آن‌ها در پژوهش مورد استفاده قرار گرفت.

جدول ۲: اطلاعات جمعیت شناختی خبرگان

درصد	فراوانی	عنوان	
۲۳	۵	دانشگاهی	حوزه تخصص
۴۱	۹	اجرایی	
۳۶	۸	دانشگاهی - اجرایی	
۶۴	۱۴	مرد	جنسیت
۳۶	۸	زن	
۱۴	۳	کمتر از ۵ سال	میزان تجربه (یا سابقه)
۳۶	۸	۵ سال تا ۱۰ سال	
۵۰	۱۱	بیشتر از ۱۰ سال	
۲۷	۶	کارشناسی ارشد	مدرک تحصیلی
۷۳	۱۶	دکتری	

محورها و سؤالات اصلی مصاحبه شامل موارد زیر بود:

- در صورتی که نهادها یا سازمان‌های کلانی را می‌شناسید که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در حوزه حکمرانی خانواده فعالیت دارند، معرفی نمایید.
 - تحلیل شما از وضع موجود و نقاط قوت و ضعف ساختارهای حکمرانی امور خانواده در ایران چیست؟
 - ساختار مدنظر شما برای نهاد متولی خانواده کدام است؟ از لحاظ اعضا، ضمانت اجرایی، حیطه اختیارات، نحوه تأمین بودجه، ارتباط با سایر نهادها و تکلیف سایر نهادهای موجود اظهار نظر کنید.
- در بخش کمی، ساختارهای پیشنهادی شناسایی شده در قالب یک پرسشنامه و باهدف اولویت‌بندی آن‌ها به خبرگان (که در جدول ۳ به آن‌ها اشاره شد) عرضه شد و پس از آن با روش تاپسیس^۱ اولویت‌بندی انجام شد.
- روش تاپسیس در سال ۱۹۸۱ توسط هوانگ^۱ و یون^۲ ارائه گردید. در این روش m گزینه به‌وسیله n شاخص مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و هر مسئله را می‌توان به‌عنوان یک نظام هندسی

1. TOPSIS (Technique for Order Preference by Similarity to Ideal Solution)

شامل m نقطه در یک فضای n بعدی در نظر گرفت. این روش بر این مفهوم بنا شده است که گزینه انتخابی باید کمترین فاصله را با راه‌حل ایدئال مثبت (بهترین حالت ممکن، $A+i$) و بیشترین فاصله را با راه‌حل ایدئال منفی (بدترین حالت ممکن، $A-i$) داشته باشد (آذر و رجب‌زاده، ۱۳۹۹). شایان‌ذکر است در پژوهش‌هایی که پرسش‌نامه آن‌ها با روش‌های تحقیق در عملیات انجام می‌گیرند، نیازی به محاسبه پایایی با توجه به ابزارهای معمول یعنی (روش بازآزمایی)، روش موازی (همتا) و روش «آلفای کرونباخ» نیست، چراکه در این پرسش‌نامه‌ها، تنها به جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس نظرات خبرگان پرداخته می‌شود و چون تعداد زیاد تکمیل‌کنندگان پرسش‌نامه‌ها در این روش‌ها ملاک نیست لذا روش‌های معمول محاسبه پایایی که در روش‌های آماری مورد استفاده قرار می‌گیرند، در اینجا کاربرد چندانی ندارند (نوروزی و همکاران، ۱۴۰۰). مراحل حل مسئله به روش تاپسیس در ادامه آمده است.

گام اول: ماتریس تصمیم‌گیری D را به کمک رابطه (۱) که نرم اقلیدسی نام دارد به یک ماتریس بی‌مقیاس شده تبدیل می‌کنیم (بی‌مقیاس‌سازی ۳) که ماتریس به‌دست آمده N_D نامیده می‌شود.

$$n_{ij} = \frac{r_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m (r_{ij})^2}} \quad \text{رابطه (۱)}$$

گام دوم: ماتریس بی‌مقیاس موزون را بر اساس رابطه (۲) به‌دست می‌آوریم.

$$V = N_D \times W_{n \times n} \quad \text{رابطه (۲)}$$

گام سوم: راه‌حل ایدئال مثبت (A_i+) و راه‌حل ایدئال منفی (A_i-) را با استفاده از رابطه‌های (۳) و (۴) زیر مشخص می‌کنیم.

$$A_i+ = \{(\max_{j \in J1} v_{ij} | j \in J1), (\min_{j \in J2} v_{ij} | j \in J2) | i = 1, 2, \dots, m\}$$

1. Hwang, C.L.
2. Yoon, K.
3. Normalize

رابطه (۳)

$$A^+ = (V_1^+, V_2^+, \dots, V_n^+)$$

$$A^- = \{ \min_{j \in J_1} v_{ij}, (\max_{j \in J_2} v_{ij}) \mid i = 1, 2, \dots, m \}$$

رابطه (۴)

$$A^- = (V_1^-, V_2^-, \dots, V_n^-)$$

$$J_1 = \{1, 2, \dots, n \mid j \text{ is benefit}\}$$

$$J_2 = \{1, 2, \dots, n \mid j \text{ is worst solution}\}$$

گام چهارم: اندازه فاصله بر اساس نرم اقلیدسی به ازای راه حل ایده آل منفی و گزینه مثبت و همین اندازه را به ازای راه حل ایده آل مثبت و گزینه منفی با استفاده از رابطه (۵) و (۶) به دست می آید.

رابطه (۵)

$$dj^+ = \left\{ \sum_{i=1}^n (v_{ij} - v_j^+)^2 \right\}^{\frac{1}{2}}$$

رابطه (۶)

$$dj^- = \left\{ \sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^-)^2 \right\}^{\frac{1}{2}}$$

گام پنجم: نزدیکی نسبی A_i (برای هر گزینه) به راه حل ایده آل با استفاده از رابطه (۷) به صورت زیر محاسبه می شود.

رابطه (۷)

$$C_i = \frac{di^-}{(di^- + di^+)}, (i = 1, 2, \dots, m)$$

مقدار C_i صفر و یک است؛ بنابراین هر گزینه A_i به راه حل ایده آل نزدیک تر باشد مقدار C_i آن به یک نزدیک تر خواهد بود (آذر و رجب زاده، ۱۳۹۹).
در شکل ۲، خلاصه گام های پژوهش حاضر ارائه شده است.



شکل ۲: مراحل انجام پژوهش حاضر

یافته‌های پژوهش

در این بخش، در قسمت اول، نتیجه تحلیل مصاحبه‌ها برای کارکردهای موردنظر نهاد متولی در نظام حکمرانی امور خانواده و ساختارهای پیشنهادی مطلوب اصلاح نظام حکمرانی خانواده بیان شده است (بخش کیفی) و در قسمت دوم، اولویت‌بندی این ساختارها با روش تاپسیس ارائه شد (بخش کمی).

کارکردهای موردنظر نهاد متولی در نظام حکمرانی امور خانواده

مهمترین اصل حاکم بر همه کارکردهای موردنظر نهاد متولی در نظام حکمرانی امور خانواده، مدیریت با رویکرد راهبری است؛ به این معنا که ساختار موردنظر به دنبال تصدی‌گری نیست. بر اساس مدل سیستم مانا (VSM)، هر نظامی برای راهبری کارکردهای اجرا (s1)، هماهنگی (s2)، کنترل (s3)، هوشمندی (s4)، سیاست‌گذاری (s5) نیاز به یک بخش بازرسی (s3*) دارد که همان مالک فرایند محسوب می‌شود (پرز ریوس، ۲۰۱۲). برای تسهیل درک این مفهوم می‌توان از استعاره مدیریت به مثابه رهبر گروه همناواری استفاده کرد. بر اساس این استعاره، هر

عضو گروه باید ضمن انجام وظایف محوله، در راستای هماهنگی با سایرین تلاش نماید. کما اینکه اگر بهترین نوازنده‌ها هم کنار هم جمع شوند و فقط در راستای انجام وظایف خود، آن‌هم به بهترین شکل ممکن اقدام کنند و برای هماهنگی و فعالیت نظام‌مند تلاشی صورت نگیرد، خروجی موردنظر، رقم نخواهد خورد. در این میان مهمترین وظیفه، توسط رهبر ارکستر انجام می‌شود که بدون دخالت در اجرا، به مدیریت و هماهنگی سایرین می‌پردازد. نکته مهم در این استعاره، مرجعیت رهبر گروه هم‌نوازی است که باید توسط سایرین مورد پذیرش قرار گیرد تا ضمن تبعیت از این فرد و جایگاه، بتوانند عملکرد خود را بهبود ببخشند.

در صورتی که در نظام حکمرانی امور خانواده، ساختارهای موجود را در نقش افراد و نوازندگان گروه هم‌نوازی بدانیم، نیاز به یک هماهنگ‌کننده و رهبر وجود دارد که به آن متولی (مالک) فرایند گفته می‌شود. در نتیجه در نظام حکمرانی امور خانواده نیز ضمن انجام وظایف هر کدام از ساختارهای به صورت مستقل با توجه به مدل فرایندی نظام حکمرانی امور خانواده که پیش از این مطرح شد، باید این فعالیت‌ها به صورت نظام‌مند و به‌عنوان جزئی از یک کل، توسط متولی (مالک) فرایند با رویکرد هماهنگ‌سازی انجام شود.

در راستای ایجاد مرکزیتی برای تولی‌گری و ساماندهی امور ستادی، ساختار واحدی باید تولید حکمرانی امور خانواده را بر عهده داشته باشد و نباید برای هر رشته از فعالیت‌ها و خدمات، سازمان ستادی مستقلی ایجاد نمود. بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته با خبرگان این عرصه، کارکردها و ساختارهای پیشنهادی نهاد متولی نظام حکمرانی امور خانواده در این بخش مورد بررسی قرار گرفت. در تشریح کارکردهای نهاد متولی نظام حکمرانی امور خانواده ضرورت توجه به این موضوعات مشخص شده است:

■ به‌گزینی نهاد متولی نظام حکمرانی خانواده در جمهوری اسلامی ایران

جدول ۳: کارکردهای موردنظر نهاد متولی در نظام حکمرانی امور خانواده

ردیف	کارکرد	پاسخ به آسیب	توضیح
۱	طراحی و بازنگری کل فرایند (تعیین اهداف کلان و پارادایم‌ها)	عدم انطباق سیاست‌ها با اصول، تناقض در سیاست‌ها، تولید انبوه و تکثر سندها و سیاست‌ها، ابهام در سیاست‌ها، عدم ضمانت اج موازی‌کاری، نگاه بخشی و غیر نظام‌مند.	نهاد موردنظر باید ضمن طراحی کل فرایند بر مبنای اهداف کلان و پارادایم‌های موردنظر، با رصد نظام‌مند این فرایند نسبت به بازنگری در آن با توجه تغییرات و نیازها بپردازد.
۲	طراحی و بازنگری ساختار در قالب تدوین نگاشت نهادی در فرایند موردنظر	نقصان قوانین و بخشنامه‌ها و تعدد قوانین، ابهام در سیاست‌ها، طولانی و پیچیده بودن فرآیند برنامه‌ریزی.	نهاد موردنظر وظیفه طراحی و بازنگری ساختار بر اساس طراحی کل فرایند و تدوین نگاشت نهادی برای هر یک از زیرسامانه‌های موجود در نظام حکمرانی امور خانواده را به عهده دارد.
۳	هماهنگی	تعریف نشدن دقیق روابط بین حوزه‌ها، خلط وظایف، روان نبودن گردش کار میان حوزه‌ها، ضعف نظام اطلاعاتی و مدیریت دانش.	نهاد متولی نظام حکمرانی امور خانواده باید با محوریت نگاشت نهادی تدوین شده به ایجاد سازوکارهایی برای هماهنگی این نهادها بپردازد.
۴	نظارت و ارزیابی فرایند	وجود نداشتن نهاد ناظر و ارزیاب، فقدان شاخص‌های ارزیابی و نظارت، فقدان پایش ارزیابی‌ها و عدم بازخوردگیری، نتایج ناملموس ارزیابی.	با توجه جزیره‌ای بودن نهادهای مربوط به نظارت در هرکدام از عرصه‌ها، این کارکرد وظیفه ایجاد هماهنگی و وحدت رویه در این نهادها را دارد.
۵	بسترسازی، تسهیل‌گری و شبکه‌سازی ظرفیت‌های غیردولتی	مداخله‌گری زیاد حاکمیت در امور	این کارکرد باید در راستای تقویت برون‌سپاری و استفاده از ظرفیت‌های نهادهای غیردولتی در عرصه‌های مختلف در دستور کار قرار بگیرد.

ساختارهای پیشنهادی متولی (مالک) فرایند

نتیجه تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام گرفته برای معرفی ساختارهای پیشنهادی نهاد متولی نظام حکمرانی خانواده در جدول ۲ ارائه شده است. بر این اساس ۹ پیشنهاد به دست آمده است.

جدول ۴: ساختارهای پیشنهادی نهاد متولی (مالک) فرایند

ردیف	پیشنهاد	توضیح
۱	اصلاح وضع موجود با محوریت احیاء ستاد ملی زن و خانواده	عرصه سیاست‌گذاری کلان و قانون‌گذاری توسط شورای فرهنگی اجتماعی زنان خانواده و کمیته خانواده و جوانان مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه تحقق می‌یابد. عرصه سیاست‌های راهبردی و برنامه‌ریزی فوق ستادی و ایجاد هماهنگی در اجرا و تنظیم سیاست‌ها و برنامه‌های نظارتی با ستاد ملی خانواده تحقق می‌یابد و مدیریت اجرایی و هماهنگی و نظارت و پایش آن به عهده معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری است.
۲	وزارتخانه	سیاست‌گذاری کلان و قانون‌گذاری توسط شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، کمیته خانواده و جوانان مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه تحقق می‌یابد. سیاست‌های راهبردی و برنامه‌ریزی فوق ستادی و ایجاد هماهنگی در اجرا و تنظیم سیاست‌ها و برنامه‌های نظارتی که با ستاد ملی خانواده تحقق می‌یابد و مدیریت اجرایی و هماهنگی و نظارت و پایش آن از رسالت‌های معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری است. بر این اساس، وزارت امور خانواده با کارکرد مدیریت عرصه فعالیت‌های اجرایی می‌تواند در قالب ادغام و تفکیک نهادها و وزارتخانه‌های موجود به صورت ترکیبی ایجاد شود.
۳	سازمان ملی خانواده (معاونت ریاست جمهوری)	با توجه به ضعف اجرا و مدیریت و ساماندهی آن، بهتر است نهاد مورد نظر، به عنوان یک مرکز اجرایی ذیل ریاست جمهوری و در سطح معاونت و سازمان مستقل ایجاد شود. بر این اساس، سیاست‌گذاری توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجمع تشخیص مصلحت نظام انجام خواهد شد. رئیس و شورای راهبردی این سازمان با توجه به شاخص ثبات رویکرد، به پیشنهاد رئیس‌جمهور و با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی منصوب خواهد شد. وظیفه قانون‌گذاری در مجلس باید توسط گروه خانواده در مجلس شورای اسلامی محقق شود. وظیفه تسهیل‌گری و شبکه‌سازی ظرفیت‌های غیردولتی نیز با محوریت بنیاد ملی خانواده انجام خواهد شد.
۴	سازمان فراقوه‌ای	با توجه به اینکه تدوین سیاست‌های کلان پس از مشورت با مجمع تشخیص بر عهده رهبری است، این سازمان باید پیشنهادات خود را پس از مشورت با مجمع جهت

ردیف	پیشنهاد	توضیح
		تصمیم‌گیری به رهبری ارائه کند. جهت اتصال سیاست‌های کلان، بخشی و اجرایی، مرکز عالی در حوزه سیاست‌های بخشی حوزه زنان و خانواده نیز ملزم به سیاست‌گذاری است. به‌منظور پرهیز از هم‌پوشانی شرح وظایف و توجه به هندسه عمومی و صحیح فعالیت‌ها، دریافت نظر مشورتی شورای عالی انقلاب فرهنگی ضروری است. نظارت بر اجرای سیاست‌ها نیز باید در زمره اهداف مرکز عالی زنان و خانواده قرار بگیرد. وظیفه قانون‌گذاری در مجلس باید توسط گروه خانواده در مجلس شورای اسلامی محقق شود. وظیفه تسهیل‌گری و شبکه‌سازی ظرفیت‌های غیردولتی نیز با محوریت بنیاد ملی خانواده انجام خواهد شد.
۵	سازمان ذیل وزارتخانه	در این پیشنهاد، تلاش می‌شود با تشکیل سازمانی ذیل یکی از وزارتخانه‌های مرتبط، از مزایای وزارتخانه استفاده شود و محدودیت‌های آن نیز پوشش داده شود. به این معنا که مزیت‌هایی نظیر ضمانت اجرایی به‌واسطه معاون وزیر بودن رئیس سازمان، پاسخگویی به مجلس شورای اسلامی و... لحاظ می‌شود و محدودیت‌هایی که به علت تحمیل بار مالی و نیروی انسانی جدید به دولت با تشکیل وزارتخانه مطرح می‌شود، وجود ندارد. در این صورت، سیاست‌گذاری کلان و قانون‌گذاری توسط شورای فرهنگی اجتماعی زنان خانواده شورای عالی انقلاب فرهنگی، کمیته خانواده و جوانان مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه تحقق می‌یابد. مدیریت اجرایی و هماهنگی و نظارت و پایش آن، از رسالت‌های معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری است. سیاست‌های راهبردی و ایجاد هماهنگی در اجرا و تنظیم سیاست‌ها و برنامه‌های نظارتی به عهده این سازمان است. این سازمان می‌تواند در قالب ادغام و تفکیک نهادهای موجود نیز ایجاد شود.
۶	شورای عالی خانواده	کارکردهای اصلی مدنظر این شورا عبارت است از: هماهنگی میان نهادهای قانونی مسئول، بررسی و تشخیص کاستی‌ها و ضرورت‌های قانونی در ارتباط با تشکیل، حفظ و پایداری خانواده و ارائه نتایج حاصله به مراجع ذیصلاح، پیشنهاد تدابیر لازم در چارچوب قوانین موجود، نظارت بر فعالیت‌های نهادهای مسئول در حوزه زنان و خانواده اعم از دولتی و غیردولتی. با توجه به اینکه کارکردهای مذکور در نهادهای موجود، وجود ندارد یا کم‌رنگ هستند، این شورا وظیفه تنظیم‌گری و نظارت را به عهده دارد و سایر نهادها به انجام وظایف خود می‌پردازند. مهم‌ترین تفاوت شورای عالی خانواده با سازمان ملی خانواده (معاونت ریاست جمهوری)، ماهیت شورایی بودن است. بر این اساس شورای عالی خانواده، ساختاری شبیه سایر شوراهای عالی دارد و شأن آن بیشتر مشورتی است.

نشریه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده

ردیف	پیشنهاد	توضیح
		در حالی که سازمان ملی خانواده توسط رئیس و معاونین اداره می‌شود و بودجه مستقل دارد.
۷	سازمان راهبری خانواده ذیل نهادهای سیاست‌گذار مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام یا شورای عالی انقلاب فرهنگی	بر این اساس باید با اصلاح ساختار شورای عالی انقلاب فرهنگی و یا مجمع تشخیص مصلحت نظام، به دنبال محوریت این نهاد در نظام حکمرانی کشور بود. در این صورت خانواده هم یکی از عرصه‌هایی است که ذیل مرکزی تحت عنوان «سازمان راهبری خانواده» ایجاد می‌شود. نهاد متولی نظام حکمرانی با تفویض تصدی‌گری به ساختارهای موجود، به دنبال تنظیم‌گری وظایف و کارکردهای سایر نهادها است. بر اساس این پیشنهاد، سیاست‌گذاری توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجمع تشخیص مصلحت نظام انجام خواهد شد. شورای راهبری سازمان ملی خانواده به‌عنوان مالک فرایند به پیشنهاد شورای عالی انقلاب فرهنگی و با حکم مقام معظم رهبری منصوب خواهد شد. وظیفه قانون‌گذاری در مجلس باید توسط گروه خانواده در مجلس شورای اسلامی محقق شود. وظیفه تسهیل‌گری و شبکه‌سازی ظرفیت‌های غیردولتی نیز با محوریت بنیاد ملی خانواده انجام خواهد شد.
۸	نهادهای نخبگانی در سطح خرد و ارتقاء سطح کارشناسی آنها متناسب با نیازهای موجود	بر این اساس باید رویکرد تشکیل نهاد حکمرانی، از یک نهاد متمرکز و حاکمیتی بزرگ، به سمت تشکیل و تقویت نهادهای مردمی و بسنده کردن به یک نهاد حاکمیتی با بار حداقلی سوق پیدا کند و لازمه این امر آن است که نگاه بوروکراتیک و سلسله‌مراتبی در نهادهای حاکمیتی به حداقل ممکن تنزل پیدا کند و در کنار آن نگاه ادوکراتیک و معطوف به حل مسئله، با تکیه بر پتانسیل نخبگان، رشد و ارتقاء یابد و البته این یک فرآیند زمان‌بر است و باید در خط‌مشی‌گذاری نهاد حکمرانی خانواده به آن توجه کرد و قبل از آن باید در پارادایم حکمرانی جمهوری اسلامی، این نگاه به وجود آمده باشد.
۹	تشکیلات ۴ حلقه‌ای	ایجاد تشکیلاتی یکپارچه در قالب چهار حلقه به‌صورت هم‌زمان که عبارت‌اند از یک حلقه فراقوه‌ای به‌صورت ستاد یا شورا در قالب خانواده و جمعیت که وظیفه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت را بر عهده داشته باشد. دومین حلقه، تقنینی و اجرا در قالب گروه تخصصی خانواده. حلقه سوم اجرایی در دولت تحت عناوینی از جمله وزارت خانواده و جمعیت جهت بسترسازی عملیاتی سیاست‌های فراقوه‌ای، اصلاح نظارت‌ها و حلقه چهارم نهادهای مردمی در راستای مطالبه‌گری و هم‌اندیشی می‌باشد.

اولویت‌بندی ساختارهای پیشنهادی نهاد متولی نظام حکمرانی خانواده

برای اولویت‌بندی لازم است که معیارها و شاخص‌های اولویت‌بندی شناسایی شود. در این رابطه، ۹ شاخص از مصاحبه با خبرگان احصا شد که به دلیل زیاد بودن، دشواری محاسبات و نادقیق بودن برخی از شاخص‌ها، مجدداً نتایج به‌دست آمده به خبرگان عرضه شد و از آن تعداد، ۵ شاخص انتخاب شد که در جدول ۵ ارائه می‌شود.

جدول ۵: شاخص‌های انتخاب نهاد متولی نظام حکمرانی خانواده

ردیف	شاخص	توضیح
۱	رویکرد راهبری به‌جای تصدی‌گری	تعدد ساختارهای سیاست‌گذار لزوم ساماندهی حوزه سیاست‌گذاری و تبع آن، قانون‌گذاری را اثبات می‌کند. این ساختار باید در یک نگاه کلان و نظام‌مند به بررسی نسبت سیاست‌ها با عرصه‌های برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت و ارزیابی اقدام نماید. ساختار مذکور به دور از هرگونه تصدی‌گری باید به‌صورت راهبرانه در راستای کارکردهای مذکور فعالیت کند.
۲	امکان تحقق در شرایط فعالی (اسناد بالادستی، بار مالی، و ...)	اگر بهترین ساختار ممکن و نیز بهترین افراد برای مدیریت آن انتخاب شوند، در صورتی که در شرایط موجود امکان تحقق نداشته نباشد، نمی‌تواند گرهی از مسائل موجود در نظام حکمرانی امور خانواده باز کند. برخی از این الزامات در اسناد بالادستی قابل‌دستیابی است و باید در طراحی ساختار جدید و یا منحل کردن ساختارهای موجود موردتوجه باشد.
۳	قدرت راهبری کل فرایند و ضمانت اجرایی	این ساختار باید در میان نهادهای متعدد موجود که عمر برخی از آن‌ها به چندین دهه می‌رسد، مشروعیت داشته باشد و بتواند با نگاه نظام‌مند کل فرایند را راهبری نماید.
۴	ثبات رویکرد	ساختار موردنظر باید با در نظر گرفتن اقتضائات روز جامعه و پذیرفتن پیچیده بودن مسائل و لزوم وجود نگاه بلندمدت برای حل آن‌ها ایجاد شود. ضمن اینکه جایگاه و نقش مدیران هم در موضوع ثبات رویکرد قابل‌بررسی است.
۵	پاسخگویی	یکی از کارکردهای این ساختار، تدوین نگاهت نهادی برای سازمان‌های مختلف است بر اساس آن مشخص می‌شود در تدوین سیاست‌ها و قوانین، وظیفه هرکدام از موضوعات با چه سازمانی است. در این حالت زمینه برای پاسخگویی سازمان‌ها فراهم خواهد شد.

پس از مشخص شدن پیشنهادهای و شاخص‌های انتخاب، خروجی نهایی روش تاپسیس در جدول ۵ ارائه شده است. این جدول میزان نزدیکی^۱ هر گزینه تا راه‌حل ایدئال و رتبه‌بندی آنها را نشان می‌دهد.

جدول ۶: مقدار میزان نزدیکی (C_i) و رتبه‌بندی ساختارهای پیشنهادی نهاد متولی نظام حکمرانی خانواده

رتبه	نام گزینه	میزان نزدیکی (C_i)
۱	گزینه ۷: سازمان راهبری خانواده ذیل نهادهای سیاست‌گذار مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام یا شورای عالی انقلاب فرهنگی	0.799
۲	گزینه ۹: تشکیلات ۴ حلقه‌ای	0.669
۳	گزینه ۳: سازمان ملی خانواده (معاونت ریاست جمهوری)	0.643
۴	گزینه ۴: سازمان فراقوه‌ای	0.624
۵	گزینه ۶: شورای عالی خانواده	0.385
۶	گزینه ۲: وزارتخانه	0.292
۷	گزینه ۱: اصلاح وضع موجود با محوریت احیاء ستاد ملی زن و خانواده	0.258
۸	گزینه ۵: سازمان ذیل وزارتخانه	0.229
۹	گزینه ۸: نهادهای نخبگانی در سطح خرد و ارتقاء سطح کارشناسی آنها با نیازهای موجود	0.214

با توجه به تحلیل نتایج رتبه‌بندی، ساختارهای پیشنهادی مطلوب به ترتیب عبارت‌اند از: (۱) سازمان راهبری خانواده ذیل نهادهای سیاست‌گذار مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام یا شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ (۲) تشکیلات چهار حلقه‌ای؛ (۳) سازمان ملی خانواده (معاونت ریاست جمهوری)

بر این اساس، ساختار ترجیح داده شده، نه تشکیلاتی همچون وزارتخانه است و نه شورایی متشکل از شخصیت‌های کلیدی؛ بلکه در قالب سازمان راهبری خانواده ذیل نهادهای سیاست‌گذار مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام یا شورای عالی انقلاب فرهنگی که ثبات رویکرد بیشتر نمایان

1. relative closness

است. با توجه به اینکه تدوین سیاست‌های کلی پس از مشورت با مجمع تشخیص بر عهده رهبری است، این سازمان باید پیشنهادات خود را پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام جهت تصمیم‌گیری به مقام معظم رهبری ارائه کند. در این حالت به نظر می‌رسد در صورتی که این ساختار، ذیل یکی از نهادهای سیاست‌گذار موجود (البته با تغییر و اصلاح ساختار) قرار بگیرد، اثربخشی بیشتری دارد. بر این اساس باید با اصلاح ساختار شورای عالی انقلاب فرهنگی و یا مجمع تشخیص مصلحت نظام، به دنبال محوریت این نهاد در نظام حکمرانی کشور باشیم. در این صورت خانواده هم یکی از عرصه‌هایی است که ذیل مرکزی تحت عنوان «سازمان راهبری خانواده» با کارکردهایی نظیر سیاست‌گذاری کلان، نظارت استصوابی و پشتیبانی را شامل می‌شود. در شرایط فعلی با توجه به تعدد مسائل و چالش‌های موجود و با در نظر گرفتن تجربیات قبلی از ساختارهای مشابه، ایجاد سازمان ذیل نهادهای سیاست‌گذار، ریسک کمتری نسبت به ایجاد یک سازمان مستقل فراقوه‌ای دارد و با ادغام برخی از سازوکارهای موجود، قابل تحقق است.

پیشنهاد تشکیلات ۴ حلقه‌ای، در میان ساختارهای موجود با یک نگاه نظام‌مند تلاش نموده است تا بر اساس مدل فرایندی نظام حکمرانی امور خانواده، ساختار مرتبط با هر بخش را پیشنهاد نماید. از این جهت، می‌تواند نسبت به ساختارهای پیشنهادی دیگر عملیاتی‌تر باشد. اما در مورد پیشنهاد تشکیلات ۴ حلقه‌ای، مهمترین ابهامی که وجود دارد به حلقه اجرایی برمی‌گردد که با ایجاد وزارت خانواده محقق می‌شود. بر این اساس پیشنهاد‌های مختلفی که برای ایجاد وزارتخانه ارائه شده‌اند (تفکیک و ادغام سازمان‌های موجود و یا ساختار مستقل) مورد بررسی قرار گرفت که بر مبنای آن، در شرایط موجود به واسطه چالش‌های متعدد حاصل از آن، عملیاتی نیستند.

لذا به نظر می‌رسد در صورتی که بتوان بر اساس این پیشنهاد، حلقه اجرایی را به ساختاری مشابه با سازمان ملی خانواده ذیل معاونت خانواده ریاست جمهوری واگذار نمود، اثربخشی بیشتری محقق می‌شود. همچنین در صورتی که گروه تخصصی خانواده در مجلس شورای اسلامی ایجاد نشود، این امر توسط گروه فرهنگی نیز قابل اجراست. در این حالت، نهاد مورد نظر، به‌عنوان یک مرکز اجرایی ذیل ریاست جمهوری و در سطح معاونت و سازمان مستقل ایجاد می‌شود. با ایجاد سازمان ملی خانواده، سیاست‌گذاری توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجمع تشخیص مصلحت نظام انجام خواهد شد. رئیس و شورای راهبری سازمان ملی خانواده با توجه به شاخص

ثبات رویکرد، به پیشنهاد رئیس‌جمهور و با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی منصوب خواهد شد. وظیفه قانون‌گذاری در مجلس باید توسط گروه خانواده در مجلس شورای اسلامی محقق شود. وظیفه تسهیل‌گری و شبکه‌سازی ظرفیت‌های غیردولتی نیز با محوریت بنیاد ملی خانواده (پس از اعمال تغییرات) انجام خواهد شد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش ضمن آسیب‌شناسی فرایند نظام حکمرانی امور خانواده در جمهوری اسلامی ایران، شاخص‌ها و کارکردهای موردنظر و ساختارهایی را که بتوانند در نقش متولی فرایند نظام حکمرانی به ایفای نقش پردازند، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. در راستای ایجاد مرکزیتی برای تولی‌گری و ساماندهی امور ستادی، ساختار واحدی باید تولید حکمرانی امور خانواده را بر عهده داشته باشد و نباید برای هر رشته از فعالیت‌ها و خدمات، سازمان ستادی مستقلی ایجاد نمود. فعالیت‌ها و خدمات این حوزه برای آن‌که پاسخگوی نیاز جامعه باشد و موجبات رشد افراد را فراهم آورد، نیاز به سازماندهی و مدیریت دارد. بر این اساس دولت نقش حاکمیتی (سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری، نظارت و پشتیبانی) خود را ایفا می‌کند و امور برنامه‌ریزی و اجرایی با محوریت نهادهای مردمی خواهد بود. بنابراین دولت نقش حاکمیتی دارد و امور اجرایی را تا حد امکان باید به نهادهای مردمی واگذار کند. به‌طور مثال، جمعیت هلال‌احمر امور سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و راهبری را انجام می‌دهد و امور اجرایی را به نیروهای داوطلب مردمی محول کرده است. نقش دولت در مدیریت ستادی فعالیت‌ها، اعمال نظارت عالیه، سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری و حمایت حقوقی از خدمات در سطوح کلان و ملی و انجام سرمایه‌گذاری‌های سطح بالا، ظرفیت‌سازی و پشتیبانی کلان‌مالی در ابعاد ملی است. همچنین در قالب نقش نظارتی، با اجرای تمهیداتی از طریق تدوین قوانین در موارد تخطی از سیاست‌های کلان نظام و زمینه‌سازی برای حسن اجرای سیاست‌ها فعالیت می‌نماید. شایان‌ذکر است این تصمیم می‌تواند برای یک دوره ۱۰ ساله باشد و متناسب با بلوغ سازمانی و اداری کشور بازنگری شود. بر اساس یافته‌های پژوهش، ساختار پیشنهاد شده در اولویت اول، سازمان راهبری خانواده ذیل مجمع تشخیص مصلحت نظام یا شورای عالی انقلاب فرهنگی است که فراقوه‌ای بوده و ثبات رویکرد

بیشتری در آن نمایان است و در اولویت بعدی سازمان ملی خانواده (معاونت ریاست جمهوری) می‌باشد که ضمانت اجرایی در آن مشهودتر و قابل تحقق‌تر است.

بر این اساس، سازمان ملی خانواده (معاونت ریاست جمهوری) باید به‌عنوان یک مرکز اجرایی ذیل ریاست جمهوری و در سطح معاونت و سازمان مستقل ایجاد شود. رئیس و شورای راهبری این سازمان با توجه به شاخص ثبات رویکرد، به پیشنهاد رئیس‌جمهور و با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی منصوب شد. سازمان راهبری خانواده باید با اصلاح ساختار شورای عالی انقلاب فرهنگی و یا مجمع تشخیص مصلحت نظام ایجاد شود و به دنبال تنظیم‌گری وظایف و کارکردهای سایر نهادها باشد. رئیس و شورای راهبری سازمان ملی خانواده به‌عنوان مالک فرایند به پیشنهاد شورای عالی انقلاب فرهنگی و با حکم مقام معظم رهبری منصوب شود.

در جمع‌بندی این بخش و مقایسه یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های انجام شده به مهم‌ترین کارهای صورت گرفته و تمایز آن با پژوهش حاضر پرداخته خواهد شد: عباسی (۱۳۸۶) ساختار وزارت خانواده را پیشنهاد داده است. مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۸۶) در پژوهشی به تشکیل شورای عالی زنان و خانواده پرداخته است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۹) در پژوهش دیگری، پیشنهادات ارائه شده را در قالب: ستاد ملی خانواده، معاونت ریاست جمهوری در امور زنان و خانواده، و بازنگری طرح تجمیع و ایجاد وزارتخانه ارائه نموده است.

بررسی و رصد سایر کشورها نشان می‌دهد که وزارت خانواده با پسوندها و پیشوندهای متعددی که حاکی از کارکردهای متفاوت است، وجود دارد. اما نکته قابل توجه در این زمینه، مربوط به تعریف وزارتخانه است. تعریف وزارتخانه در نظام اداری کشور ما با سایر کشورها دارای تفاوت‌هایی است که باید بدان دقت داشت. در بسیاری از کشورهای مورد مطالعه، وزارت خانواده با ساختاری چابک و محدود از نظر نیروی انسانی و کارکردها و وظایف مشخص در نظام حکمرانی مشغول به فعالیت است. این در حالی است که در کشور ما وزارتخانه یک ساختار سنگین و پرهزینه محسوب می‌شود که به دلیل ماهیت پیچیده موضوعات و مسائل، امکان تفکیک وظایف و استقلال آن از سایر نهادها موجود، وجود ندارد. در نتیجه می‌توان گفت حداقل در حال حاضر پیشنهاد وزارتخانه با ادغام و تفکیک سازمان‌های موجود نمی‌تواند راهگشا باشد. همچنین در خصوص ایجاد شورا باید به محدودیت‌ها و تجارب مشابه توجه نمود. به نظر می‌رسد

شکل‌گیری سازمان می‌تواند از آسیب‌های ایجاد شورا که بررسی و آسیب‌شناسی نهادهای موجود نیز به آن اشاره شد، جلوگیری نماید. مهم‌ترین تفاوت شورای عالی خانواده با سازمان ملی خانواده (معاونت ریاست جمهوری)، ماهیت شورایی بودن آن است. بر این اساس شورای عالی خانواده، ساختاری شبیه سایر شوراها عالی دارد و شأن آن بیشتر مشورتی است. درحالی‌که سازمان ملی خانواده توسط رئیس و معاونین اداره می‌شود و بودجه مستقل دارد.



فهرست منابع

- آذر، عادل و رجب‌زاده، علی (۱۳۹۹). تصمیم‌گیری کاربردی (رویکرد MADM)، چاپ هشتم، تهران: نگاه دانش
- امین آقایی، مهرناز (۱۳۹۳). طرح پژوهشی بررسی تطبیقی سیاست‌های موفق در زمینهٔ تحکیم بنیان خانواده در منتخبی از کشورها، کارفرما: مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۸۷). مبانی دانش اداره دولت و حکومت، تهران، انتشارات سمت.
- حبیب‌پور گتایی، کرم (۱۳۹۷). ارزیابی عملکرد سازمان‌های غیردولتی (سمن‌های) کشور در حوزه زنان و خانواده، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، دوره ۲۰، شماره ۷۹، ۸۶-۴۵.
- سیاست‌های کلی خانواده، ابلاغیه مقام معظم رهبری، ۱۳/۰۶/۱۳۹۵
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۹). مصوبه «آیین‌نامه تشکیل ستاد ملی زن و خانواده» (مصوب جلسه ۶۸۲ مورخ ۱۳۸۹/۱۱/۲۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی)
- طهماسبی، رضا (۱۳۹۷). درآمدی بر نظریه‌های مدیریت دولتی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- عباسی، حسن (۱۳۸۶). طرح‌ریزی استراتژیک کلبه‌سازی، قابل دسترسی در:
<http://kolbeh-keramat.ir/Sessions/Single/۳۶۱>
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸). بند ۱۰
- مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۹۲). مقررات نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام، معاونت اطلاع‌رسانی و پژوهش دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۹). لزوم بازنگری در تشکیلات امور زنان و خانواده، دفتر مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۶). اظهارنظر کارشناسی درباره طرح تشکیل شورای عالی خانواده، دفتر مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
- مسلمانی، محسن؛ آذر، عادل؛ معزز، هاشم و ارسطو، محمدجواد (۱۳۹۸). واکاوی ساختار جاری نظام جمهوری اسلامی ایران از منظر مانایی، پژوهش‌های مدیریت در ایران، دوره ۲۳، شماره ۳، ۱۵۸-۱۲۹
- معینی‌فر، محدثه (۱۳۹۸). الزامات سیاست خانواده جمهوری اسلامی ایران با مروری کوتاه بر سیاست خانواده در جهان، مطالعات اسلامی زنان و خانواده، پاییز و زمستان، شماره ۱۱، ۸۷-۱۱۷.
- مکنون، رضا و سلیمی، جلیل (۱۳۹۴). الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت‌مبنایی برای حکمرانی پایدار (نظام تدبیر شایسته و پایدار)، چهارمین اجلاس الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت، پیشرفت ایران، گذشته، حال و آینده. تهران: مرکز الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۴، قابل دسترسی در:
<https://cp.olgou.ir/search.html>

نوروزی، محمد؛ شکری، مسعود و ارفع الرفیعی، حمیدرضا (۱۴۰۰). بررسی ظرفیت نمایشگاه‌های ملی در حمایت از تولید ملی (مورد مطالعه: نمایشگاه توانمندی‌های روستاییان و عشایر). *مطالعات راهبردی بسیج*، ۲۴(۹۲)، ۹۳-۱۱۹.

- Adham K.A., Kasimin H., Said M.F. (2012). "Functions and InterRelationships of Operating Agencies in Policy Implementation from a Viable System Perspective", *Systemic Practice and Action Research*, 25:149-170.
- Beer S. (1972). *Brain of the firm*, Wiley, New York.
- Hildbrand H., Bodhanya S. (2015). "Guidance on applying the viable system model", *Kybernetes*, 44 (2): 186 – 201.
- Jackson, M. C. (2003). *Systems thinking: Creative holism for managers*. Chichester: John Wiley & Sons Inc
- Katz, Ilan et al. (2010). "Report for the Department of Families, Housing, Community Services and Indigenous Affairs", *Social Policy Research Centre*, University of New South Wales, Sydney.
- Lee Dayoon, (2018). The evolution of family policy in South Korea: From Confucian familism to Neo-familism, *Asian social work and policy review*, Volume12, Issue1, 46-53
- Leonard A. (2009). "The Viable System Model and Its Application to Complex Organizations", *Systemic Practice and Action Research*, 22: 223-233.
- Perez Rios J. (2012). *Design and diagnosis for sustainable organizations*, Springer Verlag Berlin Heidelberg.
- Schwaninger, M., Perez Rios, J. (2008). System dynamics and cybernetics: a synergetic pair, *System Dynamics Review*, 24: 145-178.
- Wall, K., Pappamikaail, L., Leitao, M., Marinho, S., & Deven, F. (2009). *Family policy in Council of Europe member states. Two expert reports commissioned by the Committee of Experts on Social Policy for Families and Children*. Strasbourg, Council of Europe.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی